

شفیق؛ مظهر ۶۰ سال فداکاری و جهاد و خدمت به محرومان

در یک عمر ۷۴ ساله که حدود ۶۰ سال آن در راه خدا و فداکاری در راه اسلام و در خدمت محرومان و اعتلای فرهنگ کشور گذشته است عمری پر برکت و دارنده آن عبد مبارک خداست .

حاج حبیب الله شفیق مشهور به حاج مهدی شفیق چنین عمر پر برکتی داشت؛ از نوجوانی در مسجد امین الدوله به اسلام شناسی رو آورد. تا در زندگانی جاری و در کسب و کار و در دعوت الی الله بتواند بر اساس مبانی اسلام و تشیع علوی گام بردارد. در هیأت موید کار تشکیلاتی و جمعی برای ترویج دین خدا و ارتقا سطح دانش و کار با برنامه و هماهنگ برای اجرای خواسته های خداوند متعال را شروع و تجربه کرد. در همین هیأت صندوقی تاسیس شد تا برای یاری در دین کمک های مردمی و اهدایی را جذب نماید و شفیق مسئول آن گردید.

در شروع نهضت امام که سال ۴۱ و شفیق ۲۱ ساله بود، با شنیدن فریاد استنصار امام خمینی به محضر مرجع تقلید و امامت مسلمین شتافت و صادقانه رابطی بین امام و نیروهای مخلص و مشتاق جهاد فی سبیل الله شد.

نظر پاک و پاکشناس امام او را نیز در زمره یاران مؤتلفه اسلامی جزو تاسیس کنندگان مؤتلفه بر اساس نظر ولی امر مسلمین قرار داد.

در آن روز تاریخی در اردیبهشت ۱۳۴۲ امام به او و یارانش و همکار دیرینه اش جناب آقای عسکراولادی و همسایه اش شهید حاج صادق امانی و دیگر شهیدان و یاران فرمود:

شما که برای خدا کار می کنید چرا با هم کار نکنید با هم مؤتلف شوید و برای خدا کار کنید. این اولین گواهی مرجع تقلید و نایب امام زمان وقت بود که افتخارش نصیب شفیق شده که روح اله الموسوی الخمینی بفرماید شما برای خدا کار می کنید . از این تاریخ کار شفیق و یاران دیگر امام گسترش یافت. او عضو شورای مرکزی مؤتلفه اسلامی شد که تشکیلاتی خدا محور و ولایت شناس و خدوم بود و در خط امام خمینی و مراجع تقلید و روحانیت اسلام در سراسر کشور گسترده بود و مشهور به هیأت های ده نفره خمینی بود.

او در این دوران سراسر وقف جهاد و مبارزه بود .

شفیق در آنچه در این سالها از ۴۱ تا ۴۳ که دوران دستگیری اولیه است رخ داده نقش جدی داشت. در اسفند سال ۴۳ توسط ساواک شاه دستگیر شد و به همراه یاران دیگر مؤتلفه اسلامی زیر بدترین شکنجه های طاغوت در زندان مخوف قزل قلعه مقاومت کرد و اسرار مبارزه را حفظ کرد. او را چنان شکنجه داده بودند که پوست بدنش برآمده بود. از جلوی در سلول انفرادی او گذشتم و خواستم برای حفظ روحیه که مرسوم همه برای یکدیگر بود

سخنی گفته باشم گفتم: شفیق حالتان چگونه است؟ ناراحتی که ندارید؟ و سخن شجاعانه و روحیه بالای او به من روحیه ای تازه بخشید؛ شفیق با لبخند و خونسردی گفت: هر که خریزه می خورد پای لرزش هم می نشیند اینکه چیزی نیست بحمد اله خوبم.

در زندان انفرادی و بسیار سخت عشرت آباد در اردیبهشت ۱۳۴۴ شفیق یکی از مقاوم ترین مبارزان بود.

در زندان قصر نیز روحیه با نشاط، اخلاق متواضعانه و استقامت منطقی او به سایرین روحیه می بخشید.

پس از آزادی از زندان و محکومیت دو ساله، او فعال تر به جهاد فی سبیل الله رو آورد. او در هر کار خیر و انقلابی و خدماتی حضور داشت. از تأیید تا فعالیت های جدی و مسئولیت پذیری که الحق به شایستگی و با اخلاص کار می کرد.

در مبارزات مؤتلفه ای او فعال بود، در تأمین بودجه مبارزه نقش جدی داشت، در امور فرهنگی در همه جا حضور می یافت و کمک می کرد که نمونه های بارز آن مجتمع فرهنگی رفاه و مجتمع فرهنگی شهدای مؤتلفه اسلامی است. در اردوهای تفریحی رفاه و سبزه که تفریح مشروع را در ابعاد مختلف در نظر داشت فعال بود.

در جریانات سالهای ۵۶-۵۷ جزء عناصر موثر و اصلی بود و در کمیته استقبال از امام به دستور آیت الله مطهری مسئول امور مالی بود و بار عظیم تأمین بودجه و هزینه را با کمک سایر یارانش به خوبی به منزل رساند.

پیشنهاد اینکه مدرسه رفاه اقامتگاه امام خمینی باشد را او در خدمت آیت الله شهید مطهری در آن سحر تاریخی در منزل آیت الله مطهری داد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی همه عمر شفیق در مبارزه و کمک به جبهه و به محرومان و مستضعفان و امداد و امور فرهنگی و خدمت به بندگان خدا گذشته است.

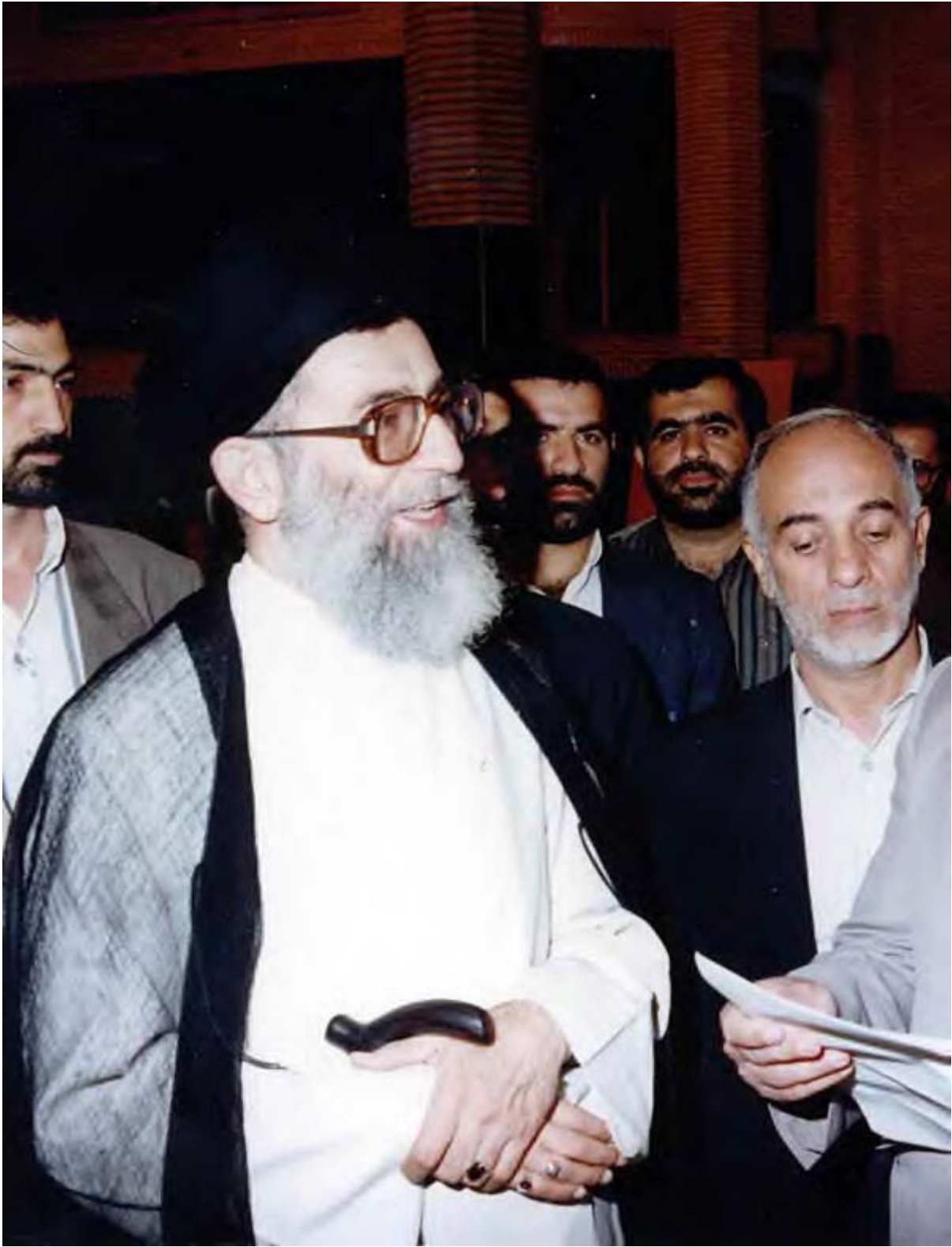
خدمات او در شهرک مربوط به طلاب در قم، بنیاد تعاون، صندوق های قرض الحسنه، بیمارستان بازرگانان و بیمارستان های دیگر، بنیاد مستضعفان، کمیته امداد امام ، شورای معتمدین امام و رهبری، مؤتلفه اسلامی باقیات الصالحات او در سفر جاودانی است.

او عضو هیأت موسس و شورای مرکزی مؤتلفه اسلامی بود و در آخرین دیدار ها که با او داشتیم در

عین آنکه بیماری او را در فشار درد و کم توانی قرار داده بود باز سفارش موتلفه اسلامی و انجام وظیفه در این حزب خدایی و در جهت خدمت به نظام جمهوری اسلامی و حمایت از دولت و مجلس در جهت تحقق ارزشها را داشت.
او خدا را در چنان حالی شکر می کرد که به وی توفیق داده است که عمری را در خدمت انقلاب و محرومان طی کند.
چنان این بنده صالح خدا غرق در شور خدمت به بندگان حق بود که غمش فشار درد نبود بلکه غصه می خورد که چرا نمی تواند از منزل بیرون بیاید و به مردم خدمت تقدیم نماید.
شفیق از مصادیق بارز این حدیث است که برای خداوند در زمین بندگان است که در برآوردن حوائج مردم تلاش می کنند این نعمت الهی بر او مبارک و سفر آخرت برایش مبارکتر باشد و خداوند متعال او را در درجات عالی نعیم قرار دهد

اسدالله بادامچیان

!Error



!Error

